

نصیرالدین طوسی و گفتمان مهار در عهد نامسلمانی ایلخانان

* سید ابوالفضل رضوی

چکیده

واگرایی جامعه و حکومت و تقابله عناصر ایرانی با فرهنگ مغولان، که در پی عملکرد آنها در عهد هجوم و چند دهه نابسامانی پس از آن حاصل شده بود، با تشکیل حکومت ایلخانی تعدیل شد و عناصر ایرانی را به هم‌گرایی با مغولان و تعامل با ایلخانان سوق داد. تعامل مذکور، سیاستی حساب شده در جهت تعدیل مشی حکومتی مغول، در برخورد با جامعه و اقتصاد و تلاش در راستای مهار رفتار مغولها و همنوایی با عناصر بومی بود. اگر سلسله تلاش‌هایی که در جهت تعدیل رفتار مغولان با هدف احیای فکر و فرهنگ ایرانی - اسلامی و نزدیک کردن قوم غالب با مؤلفه‌های مدنی ایرانی صورت گرفت را «گفتمان مهار» نام‌گذاری کنیم، مقاله حاضر در پی آن است که سهم نصیرالدین طوسی، فیلسوف بزرگ دنیای اسلامی را در خصوص این گفتمان و میزان کارآمدی آن بررسی نماید.

واژگان کلیدی

مغول، ایران، ایلخانان، نصیرالدین طوسی، گفتمان مهار.

طرح مسئله

هجوم مغول و پیامدهای ویرانگر آن، جامعه مسلمان ایرانی را با بحرانی عظیم رویرو ساخت و ساختار جامعه را با گستاخی جدی مواجه کرد. بهویژه اینکه جامعه شهری - به عنوان مرکز تقلیل حیات سیاسی و فرهنگی جامعه، آسیب بیشتری به خود دید. طبیعی بود که قشر فرهیخته و کارآمد شهری، با

razavi_edu@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۹۲/۷/۲

*. دانشیار دانشگاه خوارزمی.

تاریخ دریافت: ۹۲/۲/۵

بهره‌گیری از تجربه‌های پیشین خود، برونو رفتی را از بحران مذکور جستجو کند. نخستین تلاش اقشار فرهیخته ایرانی، همنوایی آنها با تشکیل حکومت ایلخانی به عنوان چاره‌ای ناگزیر، در جهت پر کردن خلاً سیاسی موجود، با هدف احیای نظم و امنیت نسبی بود.

جامعه ایرانی با درک دوره‌های مختلف هجوم خانه به دوشان آسیای میانه، قشر فرهیخته و نمایندگان فکری خویش را متلاعده کرده بود که رویکرد مسالمت‌جویانه با مغولان، بهترین گزینه برای فائق آمدن بر بحران موجود و بی‌نظمی و نامنی همزاد آن است. بنابراین، با اتخاذ سیاست نزدیکی با مغولان و تلاش در جهت سوق دادن تقابل جامعه و حکومت، به سمت تعامل و هم‌گرایی، موجبات تحکیم پایه‌های قدرت ایلخانان را فراهم آوردند. طبیعی بود که جامعه ایرانی، حکومت ایلخانان نامسلمان و نامأتوس با سنن مدنی ایران را نمی‌پسندید؛ اما چاره‌ای جز پذیرش و همکاری با آن، در راستای جذب و هضم قوم غالب نداشت. پذیرش و تعامل مذکور فرصت مهار رفتار مغول‌ها و تعدیل رویکردهای سیاسی و اقتصادی آنها – به عنوان اصلی استراتژیک و گفتمانی کارآمد – را در اختیار ایشان قرار می‌داد، و موجبات آن را فراهم می‌کرد تا عهد فترت مغولی (۶۵۴ - ۶۱۶ق) را به عصری کارآمد تبدیل کنند.

اگر رویارویی جامعه ایرانی با مغول‌های مهاجم (تا پیش از تشکیل حکومت ایلخانان) را در سه مواجهه: از برخورد تا تقابل (۶۲۴ - ۶۱۶ق)؛ از تقابل تا تعامل (۶۳۰ - ۶۲۴ق) و از تعامل تا مهار (۶۳۰ - ۶۵۴ق) در نظر بگیریم، آنچه که موجبات برتری فکر و فرهنگ ایرانی - اسلامی را در برابر مغول فراهم کرد و در پرتو اسلام‌پذیری ایشان جنبه‌های عملی به خود گرفت، همانی است که در این نوشتار با عنوان «گفتمان مهار» از آن یاد شده است. گفتمان مذکور، ساحتی واقع‌گرا، عقلانی و مدارجویانه داشت و البته با منویات خاندان حاکم نیز همخوانی داشت.

این گفتمان، رویکرد سلبی و ایجابی را در کنار هم به کار گرفت، و لذا در کنار برخورد انتقادی با مغول، تشویق و تحسین آنها با هدف به کارگیری سنن کارآمد مغولی - سننی که در برقراری عدل و امنیت مؤثر بود - نیز در دستور کار داشت. رویکرد ایجابی مذکور، به ویژه در دستور کار خواجه نصیر بود که به حق با عنوان «فیلسوف گفتگو»^۱ معروف شده است.

نصیرالدین طوسی که به هنگامه آمدن هولاکو (۶۶۳ - ۶۵۴ق) آن قدر شهرت جهانی داشت که «قانون» مغول، اعزام وی به دربار خویش را از هولاکو درخواست کند،^۲ با اشراف بر اینکه تنها طریق

۱. این مفهوم برگرفته شده از کتابی با همین عنوان از دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی است که نظر به ارتباط مستقیم «زبان مفهومی» و «زبان ملفوظی» می‌توان آن را بهترین مفهوم درجهٔ معرفی شخصیت فکری و فرهنگی خواجه قلمداد کرد.

۲. همدانی، جامع التواریخ، ج، ۲، ص ۷۱۸.

برتری ایرانیان مسلمان، بر مغول‌های بیگانه و نامسلمان، رونق بخشیدن به فکر و فرهنگ است، با بهره‌گیری از علاقه مغول‌ها به اندیشمندان، سعی در اعتلای علم و اندیشه کرد و مهم‌تر از راه نزدیکی به دستگاه ایلخانان، سعی در تشویق ایشان در برقراری عدل و امنیت نمود.

خواجه نصیر به عنوان شخصیتی آگاه به زمان که دوره‌های امریت سیاسی خوارزمشاهیان، نزاریان و مغول‌ها را تجربه کرده بود، با اهتمام جدی به احیای فرهنگ و اندیشه و دعوت از سران مغول به نظام پذیری و عدالت‌ورزی، در رقم خوردن بستر امنی که جامعه و اقتصاد در پرتو آن به ثبات نسبی برسد، نقش جدی داشت. اگر موفقیت عملی خاندان دولتمرد و ادب‌پرور جوینی و دیگر بزرگان مسلمان در عرصه سیاست و اقتصاد را بخسی از گفتمان مهار قلمداد کنیم؛ نصیرالدین طوسی به عنوان حکیم و اندیشمندی آگاه به زمان، چه در اندیشه و چه عمل، بخش مکمل و از یک منظر طراح اصلی گفتمان مذکور به عنوان استراتژی هضم و جذب مغول‌ها در جوف فرهنگ و مدنیت ایرانی - اسلامی محسوب می‌شود. در همین جهت نوشتار حاضر درستجوی پاسخ‌گویی به این دو سؤال است:

۱. نصیرالدین طوسی در تکوین گفتمان مهار در برابر مغول و رهیافت‌های مؤثر در آنچه

جایگاهی داشت؟

۲. گفتمان مهار با رهیافت خاص نصیرالدین طوسی، چه پیامدهایی در پی داشت؟

ایران در برخورد با مغول و طرح گفتمان مهار

نظام سنتی، نظام طبیعی و شرایط یکنواختی که بر جامعه ایلی مغول حاکم بود و جنبه‌های امریت و اجراء کمتری در خود داشت؛ در پرتو عملکردهای چنگیز، رو به دگرگونی نهاد و دوران گذاری را آغاز کرد که ویژگی مهم آن، ماهیت نظامی برتر و جستجوی خواسته‌های خویش، در چارچوب جنگ و غارت بود. هرچند در مقایسه با پیشینه سیاسی و اقتصادی مغولستان (و فراتر از آن سراسر استپ) دوره گذار مذکور، از نظام و انسجام قابل توجهی برخوردار بود؛ اما ماهیت نظامی پررنگ آن، موجب می‌شد که نتوان آن را نظامی منتظم و نهادینه به مانند ساختار نهادینه جوامع متمدنی که به اجراء مورد مواجهه آن قرار گرفتند، قلمداد کرد. نظام نوظهور چنگیزی، تنها برونو رفتی از نظام طبیعی حاکم بر استپ، با تمام فقر و تنگناهای سیاسی و اقتصادی آن به شمار می‌رفت و برای اینکه به نظامی نهادینه و متشکل بدل شود، باید دوره گذار مذکور را با همه آشتفتگی‌ها و زیاده‌خواهی‌های برخاسته از ماهیت و رهیافت نظامی خود از سر می‌گذراند.

جامعه ایرانی، در همین دوران گذار ساختار حیات جمعی مغول، مورد هجوم این قوم واقع شد.

بنابراین، موضع ایران در برخورد با مغول، تقابل دو گونه ساختار حیات جمعی؛ ساختار ایلی با ماهیت کاملاً نظامی در مواجهه با اقتصاد و حکومت، و ساختار مدنی با ماهیت معتل و نهادینه در سیاست و

اقتصاد بود. اگر تلاش مغول‌ها از دوره قدرت‌گیری چنگیز تا پایان عهد «قاآن‌ها» و تکوین حکومت‌های مغولی در ایران و چین - و به مواررات آن، سوق‌پذیری اولوس‌های اربعه چنگیزی به‌سمت نظم‌پذیری بیشتر - را کشاکش ناخودآگاه تا خودآگاه مغول‌ها در راستای نهادینگی قدرت و ساختار حیات جمیع قلمداد کنیم؛ سلسله دگرگونی‌هایی که در دوران حکومت ایلخانان حاصل شد را می‌توان تلاش آگاهانه جامعه ایرانی، در جهت تبدیل تقابل با مغول به تعامل با آنها قلمداد کرد.

تعامل مذکور که درپی انتصاب کارگزاران مغولی در ایران آغاز شد، با همه نظم‌نایابی اشرافیت نظامی مغول در این عهد دنبال، و درپی تشکیل حکومت ایلخانی به سیاستی آگاهانه - در راستای مهار بی‌نظمی‌های مذکور و نهادینگی سیاست و اقتصاد - تبدیل شد. رویکرد تعاملی عناصر فرهیخته ایرانی، در جهت مهار گرایش گریز از مرکز اشرافیت نظامی مغول، یا در قالب کارکردهای اجرایی و اداری و یا کارکردهای فکری و فرهنگی نمود داشت. از هر دو حیث نیز کاستن از ماهیت نظامی حکومت مغولی و تعديل زیاده‌خواهی‌های آن و منع بهره‌گیری از مشی اقتصاد غارتی، در اداره قلمرو مورد اهتمام بود. به‌ویژه اینکه، تکوین حکومت ایلخانی نیز با همه نظام و ثبات نسبی که درپی آورد (و به عنوان جایگزینی جهت پر کردن بحران پس از هجوم مغول) در مراحل آغازین رنگ‌وروی نظامی‌تری داشت؛ رویکرد تعديلی در جهت مهار رفتار مغولان، اقتضای بیشتری داشت. اگر خاندان جوینی را مصدق تلاش برای تعديل رفتار مغول‌ها در امور سیاسی و اجرایی قلمداد کنیم، نصیرالدین طوسی را به‌سبب جایگاه بلند و دانش و بیشن جهانی، و مهم‌تر از همه فعالیت علمی و عملی، می‌توان نماینده واقعی جامعه ایرانی - اسلامی در مقابله فرهنگی علیه مغول و مجری گفتمان فکری - فرهنگی مهار رفتارهای غیر مدنی مغول‌ها به حساب آورد.

جایگاه خواجه نصیر در فرهنگ سیاسی عهد ایلخانان

ابوجعفر نصیرالدین، محمد بن محمد بن حسن طوسی، در یکی از حساس‌ترین مقاطع تاریخ ایران و اسلام می‌زیست. عهد پرآشوب سیاسی که اندک زمانی قبل از هجوم مغول‌ها در بلاد شرقی اسلامی حاکم بود، با هجوم مغول به بحرانی فraigیر انجمید و خواجه را برآن داشت که به اسماعیلیان دانش‌دوست پیوسته و در کنار تجربه‌های عهد خوارزمشاهی، از سلوک سیاسی، اعتقادی و اندیشه‌ای نزاریان نیز آگاهی لازم کسب کند.^۱ از امنیت موجود در قلاع نزاریان - چه در قهستان و چه الموت - در جهت تحصیل دانش و تحقیق و تألیف حداکثر استفاده را برد و در زمینه علوم مختلف، اندیشمندی

۱. رضوی، «طبقات اجتماعی در نظرگاه خواجه نصیر طوسی»، دو فصلنامه مطالعات اسلامی، فلسفه و کلام،

ش ۸۵/۲ ص ۹۵ - ۹۶

جامع الاطراف شد.^۱ شهرت عالم‌گیر خواجه و نقش برجسته او، در اطاعت‌پذیری آخرین امام نزاری از هولاکو، او را مورد توجه جدی خانزاده مغولی قرار داد.^۲ از زمان فتح الموت در سال ۶۵۴ق / ۱۲۵۵م، تا فتح بغداد به سال ۶۵۶ق / ۱۲۵۸م، حکیم بزرگ تا بدان حد صاحب نفوذ شده بود که علاوه بر مشورت در امور جدی، مأموریت ایجاد رصدخانه مراغه – به عنوان بزرگترین مرکز فرهنگی – پژوهشی عهد ایلخانان و مکانی با هدف گردآوری اندیشمندان متواری و کتب و دستاوردهای فکری دنیای اسلام، و نظم و نسق بخشیدن به امور مالیاتی و تولیت اوقاف ممالک را – با شرایطی که خود تعیین کرده بود – را به دست آورد.^۳

نصیرالدین طوسی، با وجود همکاری عملی با ایلخانان و جلب توجه جدی آنها که در بیشتر عهد ایلخانی برای او و خانواده‌اش تداوم داشت، بخش زیادی از اوقات خود را به عرصه‌های فرهنگی اختصاص داده بود. نظر به تعداد آثار و تنوع حوزه‌های پژوهشی و تألیفی اوی، بزرگترین و پراثرترین اندیشمندان قرون میانه، بلکه سراسر دوران اسلامی بهشمار می‌رود.^۴ به‌ویژه اینکه خواجه طوسی، اندیشه و بینشی جهانی داشت و با به‌کارگیری مدارای اعتقادی در فکر و عمل، شخصیتی جهان وطن همراه با جسارت و شجاعت به‌خود گرفته بود؛ از نوعی آمریت سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی برخوردار بود که در سوگیری شرایط جامعه و حکومت سهم مؤثر داشت. نقش اثرباز او در رقم خوردن گفتمان آگاهانه‌ای که با عنوان سیاست مهار رفتار غیر مدنی مغول از آن یاد شد نیز، با توجه به همین جایگاه برجسته او موضوعیت داشت.

خواجه نصیر، فیلسوف گفتگو و تعامل بود؛ اما در پشت گفتگو و سلوک او، گفتمان عمیقی نهفته بود که از بنیان‌های آن، در راستای احیای شرایط بهینه جامعه ایرانی و ترمیم و اصلاح آن استفاده می‌کرد. هرچند در آورده‌گاه فرهنگی مذکور، حکیم بزرگ طوسی تنها نبود و به‌گونه‌ای تمامی بزرگان مسلمان اعم از دولتمردان، شعراء، ادباء، فقهاء، عرفاء و غیره به میدان آمدند و در لوای حمایت خاندان جوینی، مقابله جدی با مغول در جهت جذب و هضم آنها را در دستور کار قرار داده بودند؛ اما جایگاه و کارکرد نصیرالدین طوسی سوای دیگران بود.

خواجه نصیر هم دولتمرد و شاعر و فقیه و عارف و ادیب بود و هم در علوم منقول و معقول متعارف و غیر آن دستی طولانی داشت؛ به‌علاوه در عرصه‌های عملی جامعه نیز دخیل بود و در

۱. ر.ک: همدانی، *جامع التواریخ*، ج ۲، ص ۷۱۸.

۲. همان، ص ۶۹۳ - ۶۹۲ و ۶۶۶.

۳. همان، ص ۷۱۸؛ ابن عربی، *تاریخ مختصر الدول*، ص ۳۹۳؛ مدرسی زنجانی، *سرگذشت و عقاید فلسفی نصیرالدین طوسی*، ص ۹۳.

۴. لین، *ایران در اوایل عهد ایلخانان، رنسانس ایرانی*، ص ۳۱۸.

عرصه‌های سیاست و اقتصاد نیز فعالیت می‌کرد. ازین‌روی به تنها‌ی یک فرهنگ بود و طلایه‌دار پویایی و پایایی جامعه ایرانی - اسلامی، در برابر مغلان بیگانه و نامسلمان قلمداد می‌شد. بنابراین، می‌توان رهیافت‌های مؤثر در گفتمان مهار و پیامدهای حاصل از آن را به اندیشه و سلوک وی نسبت داد و سهم دیگران را در جوف کارکردهای او در نظر داشت.

رهیافت‌های مؤثر در گفتمان مهار

۱. کارکرد فرهنگی و نخبه‌پروری

علم و حلم و تدبیر و عظمت دانش و بلندنظری نصیرالدین طوسی و وسعت اندیشه و احاطه او بر علوم متعدد، مقوله‌ای است که عموم بزرگان عهد ایلخانی و دوره‌های متاخر بعدی، بر آن صحه گذاشته و سهم آن را در عزت خواجه در نزد مغول و بهره‌گیری از این جایگاه، در حفظ و تعالی میراث علمی و تمدنی اسلامی تأکید کرده‌اند.^۱ صرف‌نظر از تعدد آثار و عرصه‌های مختلف علمی که در آنها دستی داشته است، اهتمام ویژه خواجه به ایجاد مأمنی برای جمع‌آوری علماء و اندیشمندان پراکنده در جهان اسلام و تأسیس کتابخانه‌ای با چهارصد هزار مجلد کتاب در مجموعه فرهنگی - پژوهشی رصدخانه مراغه، اقدام مؤثری است که موجبات تقویت تمدن اسلامی را به عنوان طریق مؤثر مقابله با عنصر زیاده‌خواه مغول فراهم آورده است.

خواجه نصیر بر این واقیت واقف بود که با پیشرفت علم و اندیشه و ارتقای سطح آگاهی جمعی و به‌ویژه جمع‌آوری اندیشمندان و تقویت حلقه‌های علمی و ادبی است که می‌توان مغول‌های بی‌فکر و فرهنگ را به عقب‌نشینی و اذعان بر برتری قلم در برابر شمشیر وادر کرد.^۲ بدون تردید اهتمام خواجه به مقوله‌های تعلیمی و تربیتی و ضرورت تقویت بنیان‌های حکمی و مقابله با جبر و تحجر بوده است که وی را به تدوین کتبی چون آداب المتعلمین و اوصاف الاشراف و الادب الوجيز للولد الصغير و به‌ویژه اخلاق ناصری واداشته است.^۳ منابع و مصادر فکری خواجه در تألیف این کتب، از هر جایی که بوده باشد، یک هدف مهم را جستجو می‌کرده و آن غنا بخشیدن به اندیشه و بینش جامعه، برای مقابله با عنصر بیگانه مغولی و عزت بخشیدن به ساخت و ساحت فرهنگی جامعه، در راستای اثربخشیدن به ساخت سیاسی و نظامی آن بوده است.

خواجه نصیر با بهره‌گیری از دانش‌دستی مغول‌ها و به‌ویژه علوم مورد علاقه آنها، سعی در رونق

۱. ر.ک: مدرسی زنجانی، سرگذشت و عقاید فلسفی نصیرالدین طوسی، ص ۱۴ - ۱۲؛

Lane, *Early Mongol Rule In thirteenth-Century Iran, A Persian renaissance*, p. 213-215.

۲. ابراهیمی دینانی، نصیرالدین طوسی فیلسوف گفتگو، ص ۵۰۲ - ۵۰۱.

۳. ر.ک: همان، ص ۵۰۴ - ۵۰۳.

بخشیدن به فکر و فرهنگ کرد و با غنا بخشیدن به پژوهش‌های حکمی و خاصه اهتمام به حکمت عملی تلاش نمود، تا هم جبرگرایی و نومیدی فراگیر پس از حمله مغول در سطح جامعه را تعدیل کند و هم با تشویق علماء و اندیشمندان، زمینه را برای نهادینگی سیاست و اقتصاد و همواری مناسبات مردم با حکومت هموار نماید.

۲. کارکرد اقتصادی و بهبودی بخشی

اهمیت اقتصاد و جایگاه معیشت را خواجه طوسی در ذیل حکمت و فایده‌مندی آن مطرح می‌کند و در جایگاه فیلسوفی عمیق، اهتمام به معیشت را از حیث مدنی بالطبع بودن حیات جمعی انسان‌ها و ضرورت تأمین آن، در پرتو تعاون و تعامل و تقسیم کار جمعی می‌نگرد.^۱ هرچند خواجه نصیر تأثیف مستقلی درخصوص اقتصاد نداشته است، اما در جوف دیگر تأثیفات خود و به‌ویژه اخلاق ناصری مطالب اقتصادی قابل اعتمایی را با اهتمام به مبانی اعتقادی خویش مطرح می‌کند. اهتمام به اصل کفاف و ضرورت ساده‌زیستی و رضایت به حد کفايت؛ تشویق جامعه به کار و تلاش بیشتر، با اعتمای به اهمیت و صحت نیروی کار در شکوفایی اقتصاد؛ توجه به اصل مواسات به عنوان قاعده‌ای اقتصادی - اخلاقی در جهت تعاون و همکاری عمومی، توجه به سخا و قناعت و عفو و کرم و ظلم‌ستیزی، ارزش کار و نگاه اخلاقی بدان، اهمیت اقتصاد در تکوین تداوم بنیان خانواده؛ شغل و حرفة، پساندار و آینده‌نگری اقتصادی، اهتمام به عدالت اقتصادی، پول؛^۲ توجه به انواع درآمد، سلوک اقتصادی حکام و طرق امرار معاش جامعه^۳ و مهم‌تر نگاه روان‌شناختی و جامعه‌شناختی داشتن به اقتصاد و جایگاه آن در ساختار حیات جمعی،^۴ بخشی از اندیشه‌های اقتصادی نصیرالدین است که با اعتمای به تعالیم اسلامی و با در نظر داشتن شرایط جامعه ایرانی پس از هجوم مغول و ضرورت هم‌گرایی و تعاون آن در تمامی عرصه‌ها مطرح شده است. به علاوه خواجه نصیر در عرصه عمل نیز فعالیت اقتصادی داشت و درنتیجه آشنایی با ریاضیات، در این عرصه نیز موفق بود. صاحب تاریخ و صاف، کارکرد اقتصادی خواجه نصیر را چنین گزارش می‌کند:

دریاب توفیرات خزانه و ضبط اموال دیوان و تنظیم مصالح مملکت، قدرت تمام نشان
داد. در اموال از مال مقتن و خراج و قبجر عین و املاک پادشاه رعیت و ترتیب
چاپارها و زیاد ساختن عمارت و آبادانی بلوکات و مردود ساختن سکه‌های ناسره و ادا

۱. طوسی، اخلاق ناصری، ص ۱۳۴، ۱۳۵، ۲۰۵ و ۲۵۰ و ۲۵۵.

۲. برای نمونه: همان، ص ۱۱۷ - ۱۱۴، ۱۳۵ - ۱۳۴ و ۲۱۵ - ۲۱۰.

۳. مدرسی زنجانی، سرگذشت و عقاید فلسفی نصیرالدین طوسی، ص ۲۹ و ۳۴.

۴. طوسی، اخلاق ناصری، ص ۲۰۷ - ۲۰۵؛ ناشناس، تاریخ شاهی قراختائیان، ص ۴۴ - ۳۹.

کردن مال خزانه، مشروط به زمان موعود، فرمانی مطول نوشته و نسخه آن را به اطراف ممالک بفرستاد.^۱

منصب مهم تولیت اوقاف در سراسر قلمرو ایلخانی، برای خواجه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ منصبی که بر حسب جایگاه مؤثر وقف، در حیات اقتصادی جامعه جایگاه رفیعی محسوب می‌شد و پذیرش این منصب با قید هزینه کردن ده درصد از درآمد آن، در زمینه امور فرهنگی و پژوهشی، زمینه همواری در اختیار خواجه قرار می‌داد تا بتواند کارکرد اقتصادی خویش را با سیاست فرهنگی مقابله با مغول تنظیم کند، و از آن در جهت تقویت بنیان‌های فکری و اعتقادی جامعه، برای رویارویی با مغول ببره بگیرد.^۲

۳. کارکرد سیاسی و رهیافت تعدیلی

نصیرالدین طوسی در سراسر ایام پس از هجوم مغول، چه در عهدی که در نزد نزاریان می‌زیست و چه عصری که به دستگاه ایلخانان پیوست، مورد احترام و عزت بود. در نزد نزاریان به «خواجه کائنات»^۳ و در عهد ایلخانان به «استاد البشر» و «سلطان الحکما» مشهور بود.^۴ اگر گزارش‌هایی که او را وزیر نزاریان و یا ایلخانان قلمداد می‌کنند را به‌خاطر طبع بلند و دوری خواجه از پذیرش مناصب سیاسی نپذیریم، در جایگاه او به عنوان مشاور حاکمان وقت هیچ تردیدی نیست.

با هر جایگاه و عنوانی، موقعیت بر جسته خواجه که از وجاهت علمی، بلندنظری و مدارای فکری و عملی او ناشی می‌شد، این زمینه را در اختیار او قرار داده بود که بزرگان فرهنگی و سیاسی را مورد حمایت قرار دهد، و در جهت‌گیری‌های سیاسی عهد هولاکو و آباقا سهم مؤثر داشته باشد. از این حیث، ارتباط نزدیک نصیرالدین با خاندان جوینی نیز موجبات اثرگذاری بیشتر او در حیات سیاسی و اجرایی عهد ایلخانان را فراهم می‌کرد و بدون تردید از فکر و تجربه او استفاده می‌کردند. به غیر از آنچه که درباره تلاش خواجه برای نجات جان عظامک جوینی از خشم هولاکو نقل کرده اند، اهتمام خواجه به خاندان جوینی موجب شد که اوصاف الاشراف را به‌نام صاحب دیوان شمس‌الدین و ثمره بطلمیوس را به‌نام پسرش «بهاءالدین محمد» تأليف کند.^۵

۱. آیتی، تحریر تاریخ و صاف، ص ۲۱۰.

۲. ر.ک: ابن شاکر الکتبی، فواید الوفیات، الجزء الثاني، ص ۳۰۹؛ مدرس زنجانی، سرگذشت و عقاید فلسفی نصیرالدین طوسی، ص ۱۴ - ۱۳.

۳. آفسرایی، مسامرة الاخبار و مسايرة الاخیار، ص ۴۷.

۴. همدانی، جامع التواریخ، ج ۲، ص ۷۱۸.

۵. مدرسی زنجانی، سرگذشت و عقاید فلسفی نصیرالدین طوسی، ص ۶۷ - ۶۶.

سهم قابل اعتنای خاندان جوینی در اداره امور قلمرو ایلخانان و اهتمام آنها به سامان بخشیدن به حیات سیاسی و اقتصادی بخشی از عهد ایلخانان، به عنوان روش آگاهانه ایشان برای مقابله با مشی غیر مرسوم مغولان در امر حکومت‌داری بر کسی پوشیده نیست.^۱ مناسبات برجسته خواجه طوسی با این خاندان و جایگاه بلند وی نزد مغولان که وی و شاگردانش را مورد لطف قرار می‌دادند^۲ در مهمات قلمرو با وی شور می‌کردند، سبب می‌شود که جایگاه سیاسی و اثرگذاری وی در امر سیاست را نیز بزرگ بشمریم؛ همچنین سهم وی را در گفتمان مهار رویکرد ایلی در امر حکومت‌داری، قابل اعتنا قلمداد نماییم.

۴. کارکرد حقوقی و توان بخشی فکری

نظام فکری و فرهنگی نصیرالدین طوسی بر مبنای عدل و مصلحت جامعه حاصل شده بود. خواجه نصیر که انسان را مدنی بالطبع می‌داند، بهویژه آنجا که درباب حکمت عملی و بهخصوص رابطه مردم با حکومت بحث می‌کند، بر مقوله عدل تأکید مؤثری داشته و آن را جانمایه مناسبات حیات اجتماعی اعم از سیاست، اقتصاد و جامعه قلمداد می‌نماید.^۳ طبیعی است که از حیث حقوقی و تأثیرگذاری بر حاکمان، در جهت اجرای قوانین و رعایت سنن نیز اجرای عدالت را سرلوحه دیدگاه‌های خویش قرار دهد و تأمین امنیت و ترمیم التیام خلق را از منظر عدالت‌طلبی جستجو کند. خواجه که مدام پادشاه را به رعایت عدل در احوال و افعال رعایا دعوت می‌کند، و رعایت نظم و شئون اقتصادی و اجتماعی را از این حیث می‌بیند؛ رعایت انصاف و سویت و احسان در میان رعایا را در جهت تکافی اصناف و حفظ قوام و انسجام جامعه، مهم می‌شمرد و از ملزمات تحقق قسط بهشمار می‌آورد.^۴

در حکمت عملی موردنظر خواجه بر حسب طبیعت مدنی انسان، تمامی اقسام جامعه، باید در عرصه حیات جمعی حضور فعال داشته باشند و بهقدر توان خویش در تحقق عدل بکوشند. از این حیث نظامنامه فکری و حقوقی خواجه به‌گونه‌ای است که همه جامعه را به تحقق عدالت، به عنوان کارآمدترین طریق احقاق حقوق آنها دعوت می‌کند.

نگرش خواجه به ساختار اجتماعی که ضرورت انسجام، انتظام و قوام‌بذری آن را در خود دارد، جامعه و حکومت را همزمان به عدالت‌ورزی و ایجاد نظم و امنیت فرا می‌خواند.^۵ در «نصیحتنامه

1. Lane, *Early Mongol Rule In thirteenth-Century Iran, A Persian renaissance*, p. 187-212.

۲. همدانی، جامع التواریخ، ج ۲، ص ۷۴۴.

۳. طوسی، اخلاق ناصری، ص ۳۰۴ - ۳۰۱.

۴. همان، ص ۳۰۷ - ۳۰۵.

۵. رضوی، «طبقات اجتماعی در نظرگاه خواجه نصیر طوسی»، دوفصلنامه مطالعات اسلامی، فلسفه و کلام، ش ۲/۸۵، ص ۱۰۵ - ۱۰۴.

خواجه به آباقا» رساله‌ای که در آغاز ایلخانی آباقا (۶۶۳-۶۸۰ق) خطاب به شخص ایلخان تألف شده است، ایلخان را به تعجیل در جهت جلوگیری از ارتفاع ناموس و قاعده و رعایت عدل و استحقاق دعوت کرده و ضرورت دلجویی از اصناف خلائق و استمالت لشکریان و کشوریان فراخوانده است.

رعایت ناموس و قاعده، داشتن صبر و تائی لازم، صدور فرمان از سر عقل، مشورت در امور با عقلا و ارباب دانش، جستجوی رضای خدای تعالی، رعایت یاسای پدران در جهت ایجاد امنیت، و ثبات و سعی در آبادانی تا مال بسیار بی‌ظلم و رنج مردم حاصل آید بخشی از مطالب نصیحت‌نامه است که به صراحة ذکر می‌کند از اباب «حکمت در سلک بیان کشیده ...» و قبولی آن را در جهت پایداری و کامرانی ملک خواسته است.^۱ در رساله‌ای که صاحب تاریخ شاهی قراختائیان آن را به خواجه نسبت می‌دهد و نظرگاه خواجه نصیر را درباره طبقات اجتماعی در خود دارد، رعایت نظم و تعادل در مناسبات میان اقسام جامعه و ضرورت اجرای تعادل مذکور از سوی پادشاه (و در زمان خواجه ایلخان مغول) به صراحة بیان شده است.^۲

۵. مداراجویی و توان تعامل‌بخشی

خواجه نصیر شخصیتی متساهم داشت و سلوک وی از هرگونه تعصی فارغ بود. در کنار مبانی اعتقادی و اندیشه فلسفی خواجه که او را به مداراجویی، به عنوان مقوله‌ای که مناسبات انسان‌ها را تلطیف می‌کرد و آنها را به مسالمت در جهت قوام‌پذیری حیات جمعی و تحقق عدالت دعوت می‌نمود؛ تکوین شخصیت خواجه در دوران پرتلاطم قرن هفتم هجری و تجربه‌هایی که از سر گذرانیده بود نیز به نوبه خود، وی را به واقع‌گرایی و مداراطلبی سوق می‌داد.

خواجه نصیر با اشراف بر شرایط نومیدکننده دهه‌های نابسامانی پس از هجوم مغول، به تجربه دریافت‌هود که واگرایی و تنش در مناسبات اجتماعی، حاصلی ندارد و موجبات تداوم ظلم و ناعدالتی را فراهم می‌آورد. لذا ضمن دعوت به عدل و تعاون، در عمل نیز شخصیتی متعامل داشت و فارغ از هرگونه قید و محدودیت قومی، نژادی، دینی، مذهبی و فرقه‌ای با مخاطبان خود برخورد می‌کرد. سلوک وی در به کارگیری علماء و اندیشمندانی از فرق و مذاهب مختلف در مجموعه رصدخانه مراغه، تلاش در جهت جمع‌آوری فرهیختگان و بزرگان بر گرد خویش و تعیین مواجب

۱. مدرسی زنجانی، سرگذشت و عقاید فلسفی خواجه نصیرالدین طوسی، ص ۶۳ و ۶۴، (رساله «نصیحت نامه خواجه نصیر برآباقا» از خواجه نصیرالدین طوسی)

۲. ر.ک: رساله متناسب به نصیرالدین طوسی، در: ناشناس، تاریخ شاهی قراختائیان، ص ۴۱-۳۹.

شایسته برای ایشان،^۱ روابط حسنی با خاندان جوینی و دیگر کارگزاران مسلمان این عهد، و حتی اینکه برخی از کتب خویش را به غیر زبان فارسی و برای مخاطبانی عام نوشته است،^۲ نمونه هایی از رفتار روادارانه خواجه است که با اشراف کامل بر شرایط موجود، روشی در جهت مهار و تعدیل رفتار مغول ها با هدف آشنایی ایشان با دین و مدنیت ایرانی - اسلامی قلمداد می شوند. خواجه نصیر با علم بر تساهل اعتقادی مغول ها، ضرورت به کارگیری سلوک متساهلانه ای که در کنه تعالیم اسلامی وجود داشت را درک می کرد و به عنوان حکیمی فعال در عرصه های عملی جامعه، مداراجویی و تعامل را طریق مؤثری برای جذب و هضم عناصر بیگانه مغولی می دانست.

پیامدهای کارآمد گفتمان مهار

هرچند جامعه ایلی مغول در حد فاصل مرگ چنگیز تا زمان اعزام هولاکو به ایران، تا اندازه ای متتحول شده بود و از آنچه که با عنوان شرایط دوران گذار از آن یاد شد، فاصله گرفته بود؛ اما هنوز ماهیت پرنگ نظامی خویش را حفظ کرده بود. اشرافیت نظامی مغول نیز نسبت به سیاست و اقتصاد، گرایش گریز از مرکز داشتند.^۳ مغول ها براساس یاسا عمل می کردند و یاسای مغول با همه مصلحت اندیشی های چنگیز، ماهیت نظامی داشت، و از این منظر آئین نامه شمشیر قلمداد می شد. قواعد چنگیزی به مدنیت و یک جانشینی اهتمامی نداشت و در بهترین حالت، دوری از شهرنشینی را در دستور کار داشت.

در هنگام اعزام هولاکو، قانون مغول، وی را به رعایت دقیق یاسا در کلیات و جزئیات امور توصیه کرده بود و بسط جهان گشایی مغول در راستای بسیاری بیلاق و قشلاق را خواسته بود.^۴ این دستور قانون، ضمن اینکه بی توجهی به جامعه و اقتصاد مدنی را در خود داشت، بر تداوم جنگ و مباردت به غارت، به عنوان آسان ترین طریق معیشتی تأکید می کرد. این در حالی بود که جامعه ایرانی، آمدن هولاکو را نوید بخش پایان نابسامانی های پس از هجوم مغول می دانست^۵ و عزم خود را جزم کرده بود تا در پرتو برخورد مسالمت آمیز با مغول ها و در پیش گرفتن سیاست مفاهeme با ایلخانان، آنها را به

۱. ابن عبری، *تاریخ مختصر الدول*، ص ۳۹۳؛ نعمه، *فلسفه شیعه*، ص ۲۹۰ – ۲۸۸؛ صبحی، *شرح حال و زندگی خواجه نصیر*، ص ۲۳۱ – ۲۳۰؛ صایلی، *خواجه نصیر و رصدخانه مراغه*، ص ۶۷ – ۶۲.

۲. مدرس زنجانی، *سرگذشت و عقاید فلسفی نصیر الدین طوسی*، ص ۷۴ و ۶۶؛ لین، *ایران در اوایل عهد ایلخانان، رنسانس ایرانی*، ص ۳۲۰.

۳. ر.ک: پتروشفسکی، *اوپاچ اجتماعی - اقتصادی ایران در دوره ایلخانان*، ص ۴۶۵ – ۴۶۴.

۴. همدانی، *تاریخ مبارک غازانی*، ص ۶۸۷.

۵. ر.ک: لین، *ایران در اوایل عهد ایلخانان، رنسانس ایرانی*، ص ۲۲.

پذیرش سنت سیاسی و اقتصادی موردنظر خویش ترغیب کند. رهیافت‌های مورد نظر جامعه ایرانی در راستای مهار خوی غیر مدنی مغول که در قالب سلوک خواجه نصیر مورد بررسی قرار گرفت، به‌سبب پشتونهای غنی فکری و نظری موفق بود و پیامدهای قابل اعتمادی داشت که به برخی از مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود:

۱. هموار شدن زمینه‌های اسلام‌پذیری ایلخانان

اسلام‌پذیری ایلخانان و برتری شریعت اسلامی بر یاسای چنگیزی، از مهم‌ترین دگرگونی‌های عصر ایلخانان به‌شمار می‌رود که در پرتو تلاش قشر فرهیخته ایرانی، برای غلبه بر مغول و نظم‌نپذیری کنش سیاسی، اقتصادی و فرهنگی مغول صورت گرفت. اسلام دین صلح است و با زبان مدارا و رویکرد فکری و فرهنگی با مخاطبان برخورد می‌کند. از این‌روی سیاست مسالمت‌آمیز بزرگان ایرانی در مقابل با مغول، رویکردی هم‌نوا با دستورات دینی بود که در ذات خود، زمینه را برای مسلمان شدن مغول‌ها فراهم می‌آورد. تقابل و البته تعامل جامعه ایرانی با مغول و هم‌گرایی مغول‌ها با جامعه دین محور ایرانی را برخی از محققان، در قالب مواجهه دین و دولت بررسی کرده‌اند؛^۱ اما این برتری دینی همراه با آن برتری مدنیت ایرانی، واقعیتی بود که در پرتو مواجهه تفاهمی بزرگان مسلمان با مغول به‌دست آمد. بی‌تردید اگر فرهیختگان مسلمانی چون نصیرالدین طوسی به‌جای تعامل با مغول، به تقابل با بیگانگان مغولی ادامه می‌دادند، اسلام‌پذیری ایلخانان با عمق و پیامدهای مؤثری که در خود داشت، به راحتی امکان‌پذیر نمی‌شد.

۲. احیای فرهنگ و تقویت هویت ایرانی

نابودی خلافت عباسی و تکوین حکومت مستقل ایلخانی در جغرافیای سیاسی که قابل انطباق با ایران باستان بود، رشد تاریخ‌نگاری به زبان فارسی به‌عنوان مشخص‌ترین نمود هویت ایرانی، هم‌گرایی عمومی جامعه در جهت مقابل با قوم غالب، ترویج شعر حماسی و شاهنامه‌نویسی که مقوم هویت ایرانی بود، بهره‌گیری حساب‌شده از سلاح دین‌علیه بیگانگان مغولی، به‌عنوان یکی از مبانی مورد تأکید در اندیشه‌های ایرانشهری با ابتنا به ارتباط تنگانگ دین و دولت، و گسترش و تمیق فتوت به‌عنوان جریانی که تداوم‌بخش سنت‌های پهلوانی و عیاری در ایران بود، به‌علاوه تلاش حکومت‌گران برای ظاهر شدن در قامت سلاطین عادل و امنیت‌بخش، برخی از دستاوردهای عهد مسلمانی ایلخانان است که زمینه‌های آن در عهد نامسلمانی ایلخانان و سلوک آگاهانه بزرگان ایرانی و در رأس آنها نصیرالدین طوسی فراهم شده است.

۱. ر.ک: بیانی، دین و دولت در ایران عهد مغول، ج ۲، ص ۳۶۸ – ۳۶۷.

۳. اصلاحات گسترده عهد مسلمانی

اگر از ورای بیشن تاریخ‌نگارانه رشیدالدین فضل‌الله، به عنوان مورخی که به گمان برخی محققان، سعی در بر جسته کردن اقدامات عصر غازان و کم‌مقدار جلوه دادن عملکرد های عصر نامسلمانی ایلخانان داشته است،^۱ به اصلاحات عهد غازان نظر کنیم، تردیدی نمی‌ماند که بزرگان عهد مسلمانی ایلخانان (به عنوان طراحان و مجریان واقعی اصلاحات عهد غازان) میراث‌خوار تلاش‌های جدی‌تر و پر خطر فرهیختگان ایرانی در عهد نامسلمانی ایلخانان، برای آشنایی آنها با وجوده مدنی و ضرورت‌های اقتصادی، سیاسی، حقوقی و اجتماعی جامعه ایرانی بوده‌اند. اصلاحات عهد غازان، اگر به گونه مذکور در حکایت‌های چهل گانه تاریخ مبارک غازانی به اجرا در آمده باشد،^۲ یک نکته مهم در خود دارد و آن، این است که چنین اصلاحات گسترده‌ای، فکر و انتظاری تدریجی می‌طلبید، و در بهترین وجه تجلی اندیشه‌های عدل محورانه امثال نصیرالدین طوسی و حاصل ایستادگی جامعه ایرانی در مقابل زیاده‌خواهی اشرافیت نظامی مغول قلمداد می‌شد.

۴. هم‌گرایی میان مسلمانان

دستاورد دیگر تلاش جدی و خطرآفرین اندیشمندان و دولتمردان عهد نامسلمانی ایلخانان، جهت مهار رفتار گریز از مرکز سران مغولی و حفظ و تداوم سنن سیاسی و اقتصادی ایرانی، هم‌گرایی بیشتر و وحدت رویه بزرگان مسلمان بود که صرف‌نظر از اختلاف‌نظرهای مذهبی و فرقه‌ای به آوردگاه مغول آمده بودند. در حالی که اختلاف میان مسلمانان در عهد هجوم مغول، یکی از عوامل پیروزی مغول در برخی از شهرها قلمداد می‌شد، رویکرد هماهنگ و متعامل مسلمانان – رویکردی که رنگ و روی فرهنگی بیشتری داشت – در عهد حکومت‌گری ایلخانان دستاورد بزرگی بود که فلاسفه و ادبیا و وزرا و فقهاء و ... را یکسان به ایفای نقش ترغیب می‌کرد.

۵. ترویج رویکرد انتقادی در شعر و ادب

به عنوان نمود هم‌گرایی جامعه ایرانی در برابر مغول‌های بیگانه و نامسلمان، نوعی رویکرد انتقادی در شعر و ادب عصر ایلخانان ظهر کرد که در پناه مدارای اعتقادی مغول و ظرفیت فرهنگی متساهلانه‌ای که نصیرالدین طوسی و خاندان جوینی از آن حمایت می‌کردند، رو به رشد نهاد.^۳ البته بی‌التفاتی ایلخانان به شعر پارسی، به ویژه مدحه‌سرایی نیز در این رویکرد انتقادی که دست شاعران

۱. لین، ایران در اوایل عهد ایلخانان، رنسانس ایرانی، ص ۲۱ - ۲۰.

۲. همدانی، تاریخ مبارک غازانی، ص ۱۶۱ - ۱۶۵ و به تفصیل ص ۱۶۵ به بعد.

۳. ر.ک: دولتشاه سمرقندی، تذكرة الشعراء، ص ۱۸۵ - ۱۸۱.

را برای نقد عملکرد سران مغولی بازمی‌گذاشت، مؤثر بود. به غیر از شاعران بزرگی چون مصلح‌الدین سعدی، پوربهای جامی، سیف فرغانی، جمال‌الدین رستاق قوطی، سید جمال کاشی و ... عمدۀ بزرگان عرصه اندیشه و عمل و به خصوص نصیرالدین طوسی و برادران جوینی در شعر و ادب، دست توانایی داشتند و با رویکرد اخلاقی و حکمی شعر می‌سروندند.^۱ شاعران عهد نامسلمانی ایلخانان در ذیل چتر حمایتی رجال و دولتمردان این عهد، به انتقاد از وضع موجود می‌پرداختند و اشعار برخی از آنها تا بدان حد انتقادی است که فعل متمایزی را در شناخت تاریخ عهد ایلخانان می‌گشاید و افقی فراتر از افق ترسیم شده در منابع تاریخ‌نگاری را ترسیم می‌کند.^۲

نتیجه

رخوت و انفعالی که درنتیجه شدت عمل مغول‌ها در جامعه و اقتصادبخش مهمی از مناطق ایران به وجود آمد، حدود چهار دهه تداوم یافت. در این دوران، جامعه ایرانی در تقابل با عناصر بیگانه و نامسلمان مغولی دچار نابسامانی بود و مبهم بودن وضعیت ایران در تقسیم‌بندی اولوس‌های چنگیزی، رویکرد غارتی کارگزاران مغولی به اقتصاد و جامعه و اختلاف و رقابت آنها در چگونگی اداره قلمرو بر شدت نابسامانی‌ها می‌افزود. در این مرحله که ساختار حکومتی مغولها، دوران گذاری را در عبور از مرحله «اقتصاد عرفی» به «اقتصاد امری» از سر می‌گذراند، بیشتر عملکرد مغول‌ها برپایه رویکرد «اقتصاد نظامی» انجام می‌گرفت.^۳ بنابراین، زیاده‌خواهی و رویکرد گریز از مرکز مغول‌ها، در برخورد با ساختار مدنی جامعه ایرانی طبیعی می‌نمود. تشکیل حکومت ایلخانی که در قیاس با دهه‌های نابسامانی مذکور، امنیت و ثبات نسبی را در ایران پدید آورد، قشر فرهیخته و مجرب جامعه ایرانی را بر آن داشت تا در پرتو شرایط نوظهور، مسالمت و تعامل با حکومت ایلخانی را با هدف مهار رفتارهای غیر مدنی مغول‌ها در دستور کار قرار دهد. هرچند بزرگان، اندیشمندان و دولتمردان مسلمان، تمامی وارد عمل شدند و هم‌گرا گفتمان مهار رفتار مغول را سرلوحو کار قرار دادند؛ اما شخصیت آگاه، تیزبین، بی‌بدیل و جامع‌الاطراف نصیرالدین طوسی موجب شد که گفتمان مذکور در لوای شخصیت وی رقم بخورد و در کنار سهم عملى‌تر خاندان جوینی، هدایت فکری قشر تعامل جوی ایرانی را خواجه نصیر بر عهده بگیرد.

نصیرالدین در دوره حساس حکومت‌گری مغولها، با انگیزه خروج جامعه ایرانی از بحران ناشی از

۱. ر.ک: لین، ایران در اوایل عهد ایلخانان، رنسانس ایرانی، فصول ۷ - ۵.

۲. برای نمونه ر.ک:

Minorsky, *Pur-I Baha, s Mongol, ode*, p. 274-290; Minorsky, *Pur-I Baha and His Poems*, p. 292-304.

۳. ر.ک: رضوی، شهر، سیاست و اقتصاد در عهد ایلخانان، ص ۷۰ - ۶۹

سیطره مغول، نقش حکیمی واقع گرا و دولتمردی موفق را توانمن ایفا کرد، و جایگاه او در فرهنگ سیاسی عهد نامسلمانی ایلخانان، همانند جایگاه بزرگ‌مهر وزیر در عهد خسرو انشیروان، نظام‌الملک در فرهنگ سیاسی عهد سلاجقه بزرگ، این‌سینا در دستگاه بنی کاکویه و کمرنگ‌تر فارابی در عهد حکومت‌گری حمدانیان بود. خواجه نصیر در پرتو مداراجویی و تعامل طلبی در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، حقوقی و بهویژه فرهنگی پرتکاپو بود و در برتری فکر و فرهنگ اسلامی - ایرانی در عهد ایلخانان که در ادامه آن ضرورت احیای هویت ایرانی و انجام اصلاحات ساختاری در جامعه پدید آمد، سهم جدی داشت.

منابع و مأخذ

۱. آفسرایی، محمود بن محمد، *تاریخ سلاجقه یا مسماة الاخبار و مسایر الاخبار*، به اهتمام و تصحیح عثمان توران، تهران، اساطیر، چ ۲، ۱۳۶۲.
۲. آیتی، عبدالالمحمد، *تحریر تاریخ وصاف*، بی‌جا، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۶.
۳. ابراهیمی دینانی، غلامحسین، *نصیرالدین طوسی فیلسوف گفتگو*، تهران، نشر هرمس، ۱۳۸۶.
۴. ابن شاکر الکتبی، محمد، *فوایات الوفیات*، (جزء الثانی)، المصر، مطبعة السعادة، ۱۹۵۱م.
۵. ابن عبری، غریغوریوس ابوالفرج اهرون، *تاریخ مختصر الدول*، ترجمه محمدعلی تاج‌پور و حشمت‌الله ریاضی، تهران، اطلاعات، ۱۳۶۴.
۶. بیانی، شیرین، *دین و دولت در ایران عهد مغول*، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۱.
۷. پتروشفسکی، اب، اوضاع اجتماعی - اقتصادی ایران در دوره ایلخانان، در: *تاریخ ایران از آمدن سلجوقیان تا فروپاشی ایلخانان*، پژوهش دانشگاه کمبریج، ترجمه حسن انوشه، تهران، امیرکبیر، چ ۲، ۱۳۷۱.
۸. دولتشاه سمرقندي، *تذكرة الشعراء*، به اهتمام و تصحیح ادوارد براون، تهران، اساطیر، ۱۳۸۲.
۹. رضوی، سید ابوالفضل، *شهر، سیاست و اقتصاد در عهد ایلخانان*، تهران، امیرکبیر، چ ۲، ۱۳۹۰.
۱۰. ———، «طبقات اجتماعی در نظرگاه خواجه نصیر طوسی»، دو فصلنامه مطالعات اسلامی، فلسفه و کلام، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه فردوسی، ش ۲ / ۸۵، پاییز و زمستان ۱۳۸۹، ص ۹۱ - ۱۱۶.
۱۱. صایلی، آیدین، *خواجه نصیر و رصدخانه مراغه*، در: *یادنامه خواجه نصیرالدین طوسی*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۶.

۱۲. صبحی مهتدی، *شرح حال و زندگی خواجه نصیر*، در: *یادنامه خواجه نصیرالدین طوسی*، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۳۶.
۱۳. طوسی، خواجه نصیرالدین، *اخلاق ناصری*، تصحیح و تنقیح مجتبی مینوی و علیرضا حیدری، تهران، انتشارات خوارزمی، چ، ۲، ۱۳۸۷.
۱۴. لین، جورج، *ایران در اوایل عهد ایلخانان*، رنسانس ایرانی، ترجمه سید ابوالفضل رضوی، تهران، امیرکبیر، چ، ۲، ۱۳۹۰.
۱۵. مدرسی زنجانی محمد، *سرگذشت و عقاید فلسفی نصیرالدین طوسی* (به انضمام بعضی از رسائل و مکاتبات وی)، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۳.
۱۶. ناشناس، *تاریخ شاهی قراختاییان*، به اهتمام و تصحیح محمد ابراهیم باستانی پاریزی، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۵.
۱۷. نعمة، شیخ عبدالله، *فلاسفه شیعه*، ترجمه سید جعفر غصبان، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۷.
۱۸. همدانی، رشیدالدین فضل الله، *تاریخ مبارک غازانی*، داستان غازان خان، به اهتمام کارل یان، اصفهان، نشر پرسش، چ، ۲، ۱۳۶۸.
۱۹. همدانی، رشیدالدین فضل الله، *جامع التواریخ*، به کوشش بهمن کریمی، تهران، اقبال، چ، ۳، ۱۳۶۷.
20. Minorsky, *Pur-I Bahā And His Poems*, In: Iranica, Twenty articles, vol. 115, Tehran: publication of the Tehran university, 1964.
21. Minorsky. V., *Pur-I Bahā, s Mongol, ode*, in: Iranica, Twenty articles, vol. 115, Tehran: publication of the Tehran university, 1964.
22. Lane. George,. *Early Mongol Rule In thirteenth- Century Iran*, A Persian renaissance, London: by Routledge Curzon, 2003.